

تألیف «غفیفت عبدالفتاح طباره»

فطرت پاسر چشمکه ایمان

مطالعات دامنه‌داریکه اخیراً درباره ادیان بعمل آمده، از حقایق و موضوعات زیادی پرده برداشته است که همه آنها شایسته دقت نظر و توجه فراوان می‌باشد، این مطالعات ثابت نموده که دینداری و اعتقاد به اوراه طبیعت، برای عموم افراد بشر چه آنها یکه در قدیمترین روزگارها میزیسته‌اند و چه نسل‌هاییکه بعداً پیدا شده‌اند جنبه‌ی عمومی داشته و تاکنون به هیچ جمیعت و قومی که دارای عقائد دینی نباشند دسترسی پیدا نشده است.

عقیده بیشتر دانشمندان اینست که اعتقاد بخدا و اصولاً هر گونه حس دینی (معنی اعم) یک شعور و احساس فطری و غریزی می‌باشد که جایگاه ظهور آن عقل آدمی بوده و این شعور را یک موجود بالاتر و برتر از همه یعنی خداوند پاک در پیش‌رسانش است.

معروف‌ترین دانشمندانیکه طرفدار فطری بودن ادراک‌و شعور مزبور ندادندشند: «لنچ»،

اسکاتلندی است که نظریات و آراء او به ترتیب ذیل خلاصه می‌شود:

۱ - هر انسانی در خود فکر «علیمت و معلوّیت» را بالبدها می‌باشد و این فکر به تنهایی کافی است که در روی این عقیده رابه وجود آورد که در این میان برای جهان؛ سازنده و آفریننده‌ای هست؛ مسلمان‌هر فردی که نزد خود تصویری از آفرینش جهان می‌باشد ناچار است به وجود صانعی که خلق و ایجاد ازاواست و غیرا قادر بر آن نیست اعتراف کند (۱).

۲ - ما مشاهده می‌کنیم انسان‌های قدیمی؛ حتی قبائل وحشی نیز اعتقادشان این بود که «پدری» یا «بزرگی» (بعنوان معبد) ویا خالقی ... وجود دارد.

۳ - افکار و پدیده‌های دینی قبائل بدروی، نخست؛ در نهایت خلوص و پاکی بوده ولی پس از گذشتן این دوره افکار دینی آلوده به خرافات گشته و دوران عقائد افسانه‌ای پیش آمده است (منظور این است که این قبائل، اول خدای بگانه را می‌پرسیده‌اند و انواع مختلف شرک و

(۱) استدلال به وجود خدا از راه پی بردن از اثر بمؤثر که منظور «لنچ» است و قتی توحید

فطری محسوب می‌شود که فطرت را معنی اعم و وسیعی بگیرد و در غیر اینصورت؛ روش واستدلال «لنچ» داخل در توحید فطری نبوده بهتر است آنرا توحید استدلالی بنامیم (منترجم).

عقائد باطل بعد آپیداشده است) این نظریه مبنی «النجع» تازمان پیدا شد روش جدید در تاریخ شناخت نژادها ، روی هم رفته جز یک تئوری غیر مسلم ، چیز دیگری تلقی نشده بود ، بعداً که روش مزبور روی کار آمد : تحقیقات ناشی از آن ، با قسمت عمده نتايجیکه «النجع» از مطالعه و تحقیقات خود گرفته بود موافق شد و عظمت خاصی عائد این نظریات گردید ! مهترین تحقیقات و مطالعات اخیر ، که نظریات «النجع» را بیشتر اثبات نموده ، تحقیقاتی است که (schroeder LeoPold Von استاد دانشگاه «فینا» درباره قبائل هنود اروپائی بعمل آورد .

این محقق عالیقدر به این نتیجه رسیده که در میان آرایهای افکار و عقاید مر بوط به خدای جهان از دیر ترین زمانها همواره وجود داشته است ، و بنایه عقیده این دانشمند اساس عقاید و پدیده های دینی موجود در میان ارایهای این سه اصل مختلف بوده است : « پرستش طبیعت » « پرستش مردگان » « اعتقاد به یک خدای بزرگ مبده خیر و آفرینشده جهان » ولی این استاد معین نکرده که کدام یک از این سه شعورو پدیده دینی جلوتر به وجود آمده بلکه تنها در بعضی از موارد همینقدر اشاره میکند که این مسئله احتیاج به بحث ها و تحقیقات بیشتری دارد .

مقارن همین اوقات بود که دکتر «کروبر» نیز تحقیقات و بحث های متعددی را در باره « هنود کالاپنونیا » منتشر کرد وی در این بحث ها اثبات نمود که این قبیله ها قدیمی ترین قبائل امریکای شمالی بوده اند و از تحقیقات او بطور واضح معلوم می شود که وی به وجود شعور بخدای بزرگ در میان این قبائل ، دست یافته و بلکه بالآخر از این برآور نابت شده که این هندوها جهان آفرینش را بواسطه اعتقاد به یک وجود برتر از همه و مقندر که تمام نیروهای جهان در قبضه وی بوده و تمام پدیده ها و حوالات از اسرچشم میگردید : شناخته اند و عظمت هستی را از این راه دریافتند .

یکی دیگر از دانشمندان نژادشناس بنام « شهمت » هم ثابت نموده که وحشیان افریقائی که قدیمی ترین نژادهای بشری هستند به وجود خدای بزرگ ، معتقد بوده اند ، همچنان که این دانشمند پی برده که در میان قسمت مهمی از قبائل زنجی و قبائل استرالیای جنوب شرقی و قبائل هندوی امریکای شمالی - علاوه بر اصل اعتقاد بخدا - حتی مسئله یکتا پرستی و توحیده رواج داشته است ، در میان قبائل دیگر هم گرچه عقیده بخدا وحدانیت ، روزگاری وجود داشته ولی وقتی وضع بدوى این قبائل تغییر یافته : طرز ذکر و فرهنگ آنان نیز دستخوش تحولاتی گردیده که در نتیجه ، عقائد دینی آنها بصورت پیچیده و پفر نجی در آمده و خدای یکانه جای خود را به خدایان متعدد داده و عقیده به یک سلسله موجودات علوی و ماقوی طبیعت دیگر نیز از همین

راه پدیدار شده است ... » (۱)

این بود مختصری از آراء و عقاید دانشمندان که فطری بودن اعتقاد به وجود خدارا در نفس انسانی اینطور صحیح‌بیان نموده‌اند.

از این دانشمندان که پگذیریم به دانشمند عالی‌مقام «دکارت» بر میخوریم و میبینیم این دانشمندان راه‌دلیل فطرت به وجود خدا استدلال کرده چنین میگوید:

« من در حالیکه بنقص ذات خودشور دارم ؛ در همان حال به این حقیقت نیز شور دارم که باید یک ذات کامل و واجبی در کار باشد ؛ من خود را به این اعتقاد ناچار می‌بینم : که این شور را ؛ خود آن ذات کامل آراسته با جمیع صفات کمال ، در من سرسته است ؛ من از این اعتقاد ناگزیرم » وی بار دیگر چنین میگوید :

« در نهاد من شور به وجود ذات کاملی هست و این شور ؛ از نظر وضوح و صراحت ، با شور به اینکه هم‌مجموع زوایای مثلث برابر دوزاویه قائم است ، ذره‌ای فرق ندارد ، پس حتماً خدا وجود دارد » (۲)



از نشانه‌های حقانیت و عظمت اسلام که عقلها را در چار حریت و اعجاب میکند ، این است که اسلام در بیان حقیقت گذشته ، تقریباً سیزده قرن بر علم پیشی‌جسته است ، قرآن این حقیقت را در آیه‌های ۳۰ و ۳۱ - از سوره روم با صراحت زیر بیان داشته است (رو آر بائین حنیف ؛ دینیکه خدا اسرشت مردم را بر آن استوار ساخته) تغییر در آفرینش خدا نیست ، اینست دین خلل ناپذیر ولکن بیشتر مردم نمیدانند ، بسوی او توبه و بازگشت نهائید و ازاو بترسید و نماز را بر پادارید و از مشرکان نشوید)

قرآن با این بیان گویا ورسا ، مقرر میدارد که سرچشمه دین ؛ فطرت انسانی است و خدا همه مردم را بر سرشت دین آفریده و پایه اساسی دین اعتقاد به این حقیقت است که جهان ، آفریننده و پدید آردنده‌ای دارد یکتا و بی‌انیاز ، هر وقت که آدمی در ساختمان وجود خویش می‌اندیشد به این حقیقت ، اعتراف میکند که اورا خداوند توانا و حکیمی از نیستی

(۱) این نصوص از کتاب (پیدایش دین) تألیف استاد «علی‌سامی النشار» از صفحه ۱۸۱ به بعد اقتباس شده است.

(۲) نقل از دائرة المعارف «فرید وجدی»، (ماده الله)

بهستی آورده و هر لحظه نعمات بی پایان خود را شامل حالت نموده است.

معنی کلمه «حنیف» در آیدینیقه، برگزاری و دوری از عقائد باطل و انحراف آمیز است که خصیصه فطرت انسانی و نشان دین سالم است؛ در آخر؛ این آیه را خداوند با این جمله ختم نموده که «بیشتر هر دم از فطری بودن دین آگاه نمیباشد»، این سخن کامل احق و بجا است و اصل (فطری بودن دین برای انسان) را غیر از افراد نادری که سالهازحمت کشیده و درباره منشاً پیدایش حس دینی و اثرات آن در نفس انسان؛ تحقیقات و مطالعات دامنه داری نموده اند درک نمیکنند؛ با اینوصف؛ باید کشف این حقیقت بر جسته را یکی از معجزات علمی قرآن بدانیم. از طرف دیگر پامیر اسلام (ص) نیز این موضوع دارد ضمن حکم و حتمائی که از خدای خود نقل میکند اینطور تا کید نموده است: «همه بندگانم را با سرشنی پاک و فطرتی سالم واستوار آفریده ام، اهاشیاطین آنها را ازسرشت پاک و فطرت را استشان منحرف نموده اند و با نهایات لقین نموده اند که دیگر ان را شریک و وابازم ن قرار دهند».

درجای دگری پامیر اسلام در همین باره چنین فرموده: «هر مولودی بر فطرت پاک یکتا پرستی متولد میشود و این پدر و مادر او هستند که وی را (بر عقائد هشر کانه) یهودی یا نصری یا هجوسی یا همیار و زند، منظور از این بیان دقیق اینست که هر مولودی بر شالوده اسلام که روح آن توحید خالص و دوری از هر گونه شایشه شر که است، زاییده میشود و تغییراتی که بعد از در طینت و سرشت او لیه کودک پیدامیشود؛ معلوم محيط اجتماعی و کانون خانوادگی است که پدر و مادر دور کن اصلی آن میباشد.

مشاهده می کنیم، قرآن با بیان دیگری هم فطری بودن اعتقاد به خدارا که علم آنرا ثابت نموده اعلام داشته و این موضوع را که هر انسانی بهنگام سختیها و درمان دیگها، از اعماق وجود خود؛ بسوی خدا پناه میبرد دلیل آن شمرده است؛ در این باره قرآن چنین فرموده: «هنگامیکه انسانها راضر و آسیب فرامیر سدفوراً پروردگار خود را میخواند و باوپناه میبرند (۱)» اذاین بیان پیدا است که روح انسان خدارا با فشارت خویش درک میکند و در موافق سختی و شدائد هم تنها بسوی او بازگشت میکند، واژوی یاری و کمک می طلبید. از گفتار گذشته روش میشود که مطالعات و تحقیقات تازه عالم ادبیان؛ آنچه را که قرآن درباره فطری بودن اعتقاد به خدا در نفس بیان داشته، اثبات نموده است، در حالیکه ماقتبی به زمان نزول قرآن نگاه میکنیم می بینیم مردم این زمان از اسرار و رازهای مر بوطبه فطرت دینی انسان چیزی نمیدانستند آیا گفتار گذشته قرآن در آن زمان؛ دلیل این نیست که قرآن از جانب خداوند فروذ آمده و محمد (ص) بر استی پامیر خدا بوده است؟